

با سلام و درود به شهدای گرانقدر صدر اسلام و شهدای انقلاب اسلامی،  
بویژه شهدای ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷، شهدای مدافعان حریم اهل بیت  
عصمت و طهارت، بالاخص شهیدان، سردار شهید سپهبد سلیمانی و  
سدار شهید ابومهدی و همراهان و سلام و درود بر شهدای والا مقام  
مدافعین سلامت در کادر پزشکی و درمان.

در آستانه قیام خونین هفده شهریور ماه ۱۳۵۷ قرار گرفته ایم. ضمن گرامیداشت یاد  
و خاطره این شهدای عزیز و فداکار، مطالبی در مورد این قیام بیان می نمایم:

حماسه خونین هفده شهریور حادثه‌ای است بس عظیم که اگر سالیان متمادی در  
وصف آن و یاد هزاران شهید آن روز، سخن گفته شود، باز قلم از ادای حق آن واقعه  
خونین عاجز خواهد بود. حرکتی که روز هفده شهریور ۵۷ بدست جلادان شاه و  
کماندوهای اسرائیل به خون نشست، دارای هدفی مقدس بود که مردم قهرمان ما با  
نثار خون هزاران جوان خود در صدد تثبیت آن بودند. یک سری جریان‌های سیاسی در  
مسیر انقلاب در حال انجام بود که در کنار این هدف در حرکت مردم انقلابی ایران  
تأثیر گذار بود.

بسترهای پیدایش حادثه

با دقت نظر در سیر تحولات شهریور ۵۷ می‌توان دریافت که نطفه این واقعه اسفناک  
از روزهایی بسته شد که شریف امامی نخست وزیر دولت به اصطلاح آشتی ملی، روی  
کار آمد و دستور هجوم و کشتار مردم را صادر نمود، که در اثر آن عده زیادی از مردم  
در شهرستان‌ها به دست مزدوران رژیم به شهادت رسیدند، در اعتراض به این اقدام،  
تعداد زیادی از مردم تهران در میدان ژاله و خیابان‌های اطراف آن جمع شده و دست به  
یک راهپیمایی آرام زدند که با برخورد شدید رژیم مواجه شده و بنابر اظهارات مقامات  
رسمی دولت وقت، طی سرکوبی این تظاهرات ۳ نفر شهید و ۱۰ نفر به شدت مجروح  
شدند. به دنبال این حادثه، چهارشنبه هشتم شهریور نیز مردم در خیابان‌های تهران به

ویژه خیابان ژاله سابق دست به اعتراض و تظاهرات زدند و با مقابله شدید ماموران رژیم روبرو شدند و چند تن از آنها شهید شدند.

### راهپیمایی عید فطر

در سیزدهم شهریور ۵۷ مردم تهران به امامت شهید آیت الله مفتاح نماز عید فطر را در قیطریه برگزار کرده و پس از آن طی یک راهپیمایی میلیونی گسترده با صدای رسای خود اعلام کردند که خواستار برقراری حکومت اسلامی به رهبری امام خمینی (رحمة الله علیه) هستند. این راهپیمایی عظیم، جدی‌تر از همیشه زنگ خطر را برای شاه و رژیم پوسیده او به صدا درآورد و عرق سرد وحشت بر پیشانی رژیم فرو نشاند. روزهای ۱۴ و ۱۵ شهریور نیز، در تهران و شهرستان‌ها تظاهرات پراکنده‌ای صورت گرفت و دهها نفر دیگر شهید و مجروح شدند.

### اعتراض روحانیت

روحانیت مبارز ایران در اعتراض به کشتارهای فجیع رژیم شاه در تهران و شهرهای دیگر، روز پنجشنبه ۱۶ شهریور را روز عزای عمومی و تعطیل اعلام نموده جهت بزرگداشت شهدای چند روز اخیر دعوت به راهپیمایی گسترده‌تری نمودند. علیرغم ممانعت دولت، رژیم ناگزیر در مقابل اراده پولادین مردم عقب نشست و ملت ایران با جمعیتی بیش از راهپیمایی عید فطر به خیابان‌ها آمدند و از همان مسیر راهپیمایی عید فطر (قیطریه) به راه افتادند و از مسیر خیابان دکتر شریعتی به سوی جنوب تهران سرازیر شدند، در حالی که خودروها و نفربرهای ارتش در مقابل آنها صف کشیده بودند.

لحظه‌ای که مردم و ارتش بهم رسیدند، سکوت معناداری در میان آنها حکمفرما شد؛ یکباره از میان جمعیت این شعار برخاست: «برادر ارتشی چرا برادر کشی؟» و به دنبال آن بر گردن سربازان و لوله‌های سلاح‌شان شاخه‌های گل جای گرفت. بدین ترتیب

تظاهرات ۱۶ شهریور پیروزی بزرگی در روند انقلاب اسلامی ایران بود که ضمن آن ارتش در آغوش محبت ملت قرار گرفت.

جمعه خونین

پس از این دو راهپیمایی میلیونی بود که شاه پس از مشورت با فرماندهان نظامی و با تبادل نظر با سفرای آمریکا و انگلیس، پنجشنبه شب (۱۶ شهریور) دستور حکومت نظامی صادر کرد و هیات دولت نیز آن را تایید نمود.

صبح روز هفده شهریور در حالی که اکثر مردم از اعلام حکومت نظامی بی خبر بودند، همانند روزهای گذشته در میدان شهدا (ژاله سابق) اجتماع کردند تا راهپیمایی دیگری را ترتیب دهند اما با نظامیانی مواجه شدند که میدان و خیابانهای اطراف را در محاصره خود داشتند، زنان در نزدیکی میدان و مردان کمی با فاصله از میدان نشستند و شعارهای انقلابی سر میدادند، تا راهپیمایی خود را آغاز نمایند، ناگهان ماموران بی رحمانه به سویشان آتش گشودند؛ مردم که انتظار چنین قساوتی نداشتند، شجاعانه در مقابل رگبار گلوله‌ها نشستند و در حالی که شعار مرگ بر شاه و درود بر خمینی بر لب داشتند به خون خود غلتیدند.

بقیه مردم که از معرکه دور بودند، مجروحین را با خود حمل کرده و بر سر راه خود بانکها، سینماها، فروشگاه‌های کوروش، اتوبوس‌ها، و ماشین‌های دولتی و نظامی را به آتش کشیدند. درگیری تا بعد از ظهر آن روز ادامه داشت بر اثر آن بیش از چهارهزار نفر شهید و صدها نفر دیگر مجروح شدند.

همزمان با تهران در شهرهای آبادان، اهواز، شیراز، مشهد، قزوین، جهرم، کازرون، تبریز، کرج، کرمانشاه، و قم حکومت نظامی اعلام شد و مقررات عبور و مرور و منع تجمعات مردمی به اجرا درآمد. در همان روز چندین نفر از شخصیت‌های مبارز روحانی و غیر روحانی دستگیر شدند.

پیام امام

حضرت امام (رحمت الله علیه) پس از فاجعه هفده شهریور، پیامی به همین مناسبت به هموطنان مظلوم ایران فرستادند و در این پیام با محکوم نمودن اعمال وحشیانه رژیم، فرمودند:

«شما ای ملت ایران که تصمیم گرفته‌اید خود را از شر رژیم شاه خلاص گردانید، در فراندومی که در عید فطر و چهارم شوال در برابر ناظران سراسر جهان انجام دادید، به دنیا نشان دادید که رژیم شاه جایی برای خود در ایران ندارد...»

پیامدهای رویداد ۱۷ شهریور

← تزلزل اراده سیاسی رژیم شاه

به دنبال کشتار ۱۷ شهریور، رژیم در رویارویی با ملت سخت به تردید و تزلزل افتاد؛ چرا که شیوه‌های مرسوم اعم از سرکوب و سازش در عمل شکست خورده بود. اجرای حکومت نظامی که بر اساس نظریه مشاوران امنیتی و ساواک، بهترین سیاست ممکن جهت برقراری امنیت و آرامش تلقی می‌شد، نتیجه عکس بخشید.

چند روز پس از واقعه ۱۷ شهریور هنگامی که شریف امامی برای اخذ رای اعتماد به مجلس می‌رفت، دست کم ۹ تن از نمایندگان فریادزنان صلاحیت شریف امامی را زیر سؤال بردند، که البته در نهایت رای اعتماد را از مجلس اخذ کرد.

← تاثیر مشی مبارزه

۱۷ شهریور شکاف میان حکومت و ملت را عمیق‌تر کرد و امکان هر نوع پیوستگی یا سازش را از بین برد. بدین ترتیب واقعه ۱۷ شهریور به اعتبار میانه روها و هواداران اندیشه اعاده مشروطیت سلطنتی به نحو اجتناب ناپذیری آسیب وارد نمود؛ زیرا، دولت

آشتی ملی بیش از دو هفته نتوانست به وعده‌های خود وفادار بماند و در ۱۷ شهریور نقاب دروغین از چهره خود برافکند. توجیه ناپذیری این رویداد، راه مسالمت میان شاه و مخالفان را برای همیشه بست. بنابراین، هنگامی که امکان راه حل سیاسی با رژیم از بین رفت، انقلاب در مسیر تازه‌ای افتاد و شتاب بیشتری گرفت. از این دیدگاه رویداد ۱۷ شهریور باعث انسجام فکری و اتحاد عملی مخالفان شد و همگان به این نتیجه رسیدند که تنها یک راه برای نجات جامعه ایران باقی مانده است و آن خروج شاه و سقوط رژیم او و استقرار یک نظام مطلوب است.

#### ← حکومت نظامی و تزلزل ارتش

حوادث ۱۷ شهریور و ادامه حکومت نظامی، انسجام و اراده ارتش را متزلزل ساخت. استقرار طولانی مدت ارتش در میدان‌ها و چهارراه‌ها و مراکز مهم شهر، موجب فرسایش آنان می‌شد. ارتش می‌بایست تحت فرمان فرمانداری‌های نظامی و شورای امنیت استان عمل کند که خواه ناخواه با هیات دولت و سایر مراکز قدرت در نحوه و اجرای فرمان‌های حکومت نظامی اختلاف نظر می‌یافت. این واقعیت با توجه به ساختار ارتش شاهنشاهی که شکاف عمیقی میان کادر فرماندهی با بدنه نیروهای مسلح از نظر گرایش‌های سیاسی و تمایلات ملی و مذهبی وجود داشت، موضع ارتش را به عنوان سرکوبگر مخالفان، سخت تضعیف می‌کرد.

#### ← آمریکا و تحولات پس از ۱۷ شهریور

دو روز پس از ۱۷ شهریور اردشیر زاهدی، سفیر ایران، در واشنگتن با وارن کریستوفر، معاون وزارت خارجه آمریکا، دیدار نمود. کریستوفر ضمن تاکید بر حمایت دولت آمریکا از ایران، خواستار رعایت اعتدال در اجرای حکومت نظامی شد؛ اما زاهدی ادعا کرد که کمونیست‌های سازمان یافته تظاهرات را ترتیب می‌دهند و دولت آمریکا همراه با نیروهای اپوزیسیون، توطئه براندازی شاه را تدارک دیده است. کریستوفر این اتهام را

زشت و ناروا خواند و گفت تضعیف اعتماد به نفس شاه در این زمان مهمترین عامل بروز و گسترش شورش‌هاست.

← هجرت امام از نجف به پاریس

شریف امامی در آغاز تصدی نخست وزیری و درباره برنامه‌ها و سیاست‌های دولت آشتی ملی در مورد بازگشت آیت‌الله خمینی اعلام کرده بود که بازگشت ایشان به کشور بلامانع است. [۸] در پی آن در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۵۷ (و پس از تقریباً ۱۵ سال) روزنامه اطلاعات عکس امام را در صفحه اول خود چاپ کرد و از اعزام هیاتی به منظور مذاکره و بازگشت ایشان به نجف خبر داد، اما رهبر انقلاب در همان روز، نخست وزیری شریف امامی را «نیرنگ شیطانی شاه» خواند و پیشنهاد آشتی با روحانیان را «وعده پوچ و فریبکارانه» دانست و مردم را به مقاومت و مبارزه تشویق کرد. [۹] با وقوع حادثه ۱۷ شهریور، امام، شاه را مسئول مستقیم کشتار مردم دانست و خواستار انهدام رژیم شاهنشاهی شد.

← گسترش اعتصابات

مهمترین ویژگی دور تازه اعتصابات که در اندک زمانی پس از کشتار ۱۷ شهریور آغاز شد، ماهیت کاملاً سیاسی آن بود که با هدف از پادراوردن رژیم و فلج ساختن آن صورت می‌پذیرفت. در روزهای دوم و سوم مهر همان سال، اعتصاب وسیع کارکنان پالایشگاه آبادان به نشانه همبستگی با سی هزار تن از کارگران اعتصابی نفت در تهران، اهواز، گچساران و آغاچاری به راه افتاد. به تدریج شرکت مخابرات، راه آهن، ذوب آهن، بنادر و کشتیرانی، بازاریان، معلمان، دانشگاهیان و سایر مؤسسات اعتصابات را وسعت بیشتری بخشیده و اعتصاب کنندگان خواستار کناره گیری شاه و ایجاد جمهوری اسلامی شدند. این اعتصابات به ویژه در شرکت نفت سبب رکود عمده‌ترین منبع درآمد ارزی کشور و حتی دشواری دستیابی به نفت جهت مصارف انرژی، حمل و نقل و سوخت حرارتی برای منازل شد. در نتیجه دولت در پی اختلال در سیستم اقتصادی

در انجام تعهدات داخلی و بین المللی با تنگناهای فلج کننده‌ای روبرو شد. دولت آمریکا نیز در پی توقف پرداخت‌های ایران، برنامه فروش جنگ افزار نظامی را تا روشن شدن اوضاع سیاسی تهران به حالت تعلیق درآورد.

دفتر نمایندگی ولی فقیه